



## دروازه غار دروازه ای رو به سوی امید و زندگی

کافیست در یکی از موتورهای جستجوگر اینترنتی چون گوگل نام «محلّه دروازه غار» یا «محلّه هرنندی» را جستجو کنید. حداقل در ۱۰ صفحه اول این سایت، نوشته ها و تصاویری با عناوین مختلف در ارتباط با این محلّه و هولناک بودن وضعیت آن به چشم می خورد.

طی چند سال اخیر روایت های تلخ زیادی از دروازه غار تهران در رسانه های جمعی منتشر شده اما قصد نگارنده در این گزارش روایتی متفاوت تر از روایت های تلخ محلّه دروازه غار تهران می باشد. بنابراین ضمن واقف بودن بر نقاط ضعف محلّه دروازه غار، قصد ما نمایاندن نقاط قوت این محلّه است.

مهرزاد شفیع پور

زاغه بود. زاغه ها یا گودهایی که خاک رس آنها در کوره پزخانه ها صرف خشت و آجر شده بود. در گذشته به خاطر وجود این غارها در اطراف دروازه، نام غار را بر آن گذاشتند و از زمانی که افراد و خانوارهای فقیر ساکن گودها شدند؛ به دروازه غار معروف شد.»

حسین منصوری ۷۸ ساله متولد محلّه دروازه غار، در ارتباط با نام دروازه غار همچون حاج مهدی فکر می کند و دلیل نامگذاری محل و دروازه را همان می داند که حاج مهدی روایت می کند. آقای منصوری برخلاف خیلی ها در مورد بار منفی نام دروازه - غار بر محلّه می گوید: «دروازه غار هویت این محلّه است. چرا باید از نام دروازه غار در هراس باشیم. با عوض کردن نام محل که چیزی عوض نمی شود. اسم غار بر این دروازه و محل، مثل نام برخی دیگر دروازه های شهر چون دروازه دولاب و ... که بد نیست. حداقل نام محلّه را تغییر دادند؛ نباید نام میدان غار و خیابان

### چرا دروازه غار

«دروازه غار» نام یکی از محلات کوچک جنوب شهر تهران می باشد که چند سالیست مدیریت شهر تهران آن را به «محلّه هرنندی» تغییر نام داده است. دروازه غار جزء هشت دروازه دیوار ناصری تهران قدیم بوده که مکان فعلی آن تقاطع دو خیابان شوش و خیام می باشد. ریش سفیدان بومی این محل که بسیار معدودند و به نوعی شناسنامه محل محسوب می گردند، علت انتخاب نام غار بر این محل و دروازه آن را به این صورت تشریح می کنند.

حاج مهدی پروندی ۸۳ ساله، ساکن و از افراد صاحب نام محلّه در این مورد می گوید: «من از ۱۸ سالگی ساکن این محل شدم، آن زمان اثری از دیوار و دروازه غار نبود، تا چشم کار می کرد، پر از

غار را با خود به یدک می کشد. همواره نشانگاه امید و پناهگاه افشار تهیدست جامعه ایران برای ادامه حیات بوده است. بنابراین دروازه غار چه در گذشته به معنای واقعی خود که یک دروازه بوده و چه در حال که نام یک محله در جنوب تهران بزرگ می باشد؛ همواره دروازه ای رو به سوی امید و زندگی بوده است. بنابراین دروازه غار همچون سایر سکونتگاههای فقیرنشین ایران همواره نشانگاه امید به زندگی و روزنه ای رو به سوی آینده ای بهتر و رهایی از فقر، بی خانمانی و فلاکت بوده است. امید به زندگی در بین ساکنین این سکونتگاه نیز ناشی از روحیه ایرانی بودنشان است. زیرا ایرانی در طول تاریخ، شکست ها، رنج ها، حمله ها و قحطی ها دیده اما روحیه اش را حفظ نموده و نشکسته و نگاهش به آینده ای بهتر بر محور صلح، دوستی و رفاه استوار بوده است.

دروازه غار را می توان نماد جامعه ایران دانست. نماد تساهل، تسامح و همزیستی مسالمت آمیز اقوام، ادیان و مذاهب در کنار هم. زیرا ایرانیان همواره همدلی و تحمل با هم بودن را در طول تاریخ تمرین و در دل فرهنگ خود حفظ کرده اند. یکی از ویژگی های این خاک، سخاوتمندی و ایثار مردمانش است. دست گیری از نیازمندان و گشاده رویی جزء فرهنگ بارز مردان و زنان این دیار است که هنوز رنگ و بوی این فرهنگ در گوشه و کنار آن وجود دارد. یکی از مکان های تاریخی دروازه غار که یادگار این فرهنگ و آداب است، قهوه خانه تقی رضون یخی است. این قهوه خانه یادگار گروهی از جوانمردان دیروز دروازه غار، معروف به فرزندان رضون یخی (تقی، حسین و محمد رضون یخی) می باشد.

غار را تغییر می دادند. اما روایت احمد گنجی ۹۲ ساله، بومی و ساکن محل، متفاوت از روایت دیگر بزرگان محله است. وی چرایی نام غار بر این محل و دروازه آن را چنین تحلیل می کند: «در گذشته این محل معروف به چهارده معصوم بوده و چون دروازه آن رو به سوی ده «ورامین غار» باز می شد، معروف به دروازه غار گردید.» به هر حال اصطلاح دروازه غار که امروزه زبانزد عام و خاص است؛ چه بد یا خوب، چه زشت یا زیبا، چه سیاه و چه سفید به هویت و نام این محل گره خورده است. بنابراین آنچه می توان برداشت کرد، این است که کلمه غار برگرفته از گودها و یا زاغه های پرتعداد اطراف این دروازه می باشد. بنابراین می توان گفت وجه تسمیه غار برگرفته از زاغه ها یا کوره های پزخانه های پرتعداد اطراف این دروازه می باشد.

### زاغه ها روزنه هایی رو به سوی امید و زندگی

گودها یا زاغه های بزرگ اطراف دروازه غار در ابتدا که زخم های عمیقی بر تن خاک سخاوتمند این دیار بودند؛ بعدها تبدیل شدن به مأمنی برای مهاجرین روستایی و تهیدستان شهری و آواره از هر جایی که همه امیدشان این خاک بوده و ناامید از هر جای دیگر. اما این خاک سخاوتمند که بخش عمده اش را در توبره کردند و صرف آبادانی جاهای دیگر نمودند، هیچ گاه خم بر ابرو نیاورد و زخم های تن خود را با پناه دادن به مردان، زنان و کودکان آواره این مرز و بوم مرهم بخشید. این خاک سخاوتمند که از گذشته های دور تا کنون نام دروازه

گفتگو با سه تن از بزرگان دروازه غار در قهوه خانه تقی رضون یخی واقع در میدان غار یا هرندی ۱- قدرت جلالی نشسته بر روی تخت ۲- احمد گنجی عصابه دست نشسته بر روی صندلی و سمت چپ وی رضا هادی صاحب قهوه خانه





نمای فعلی کاروانسرای خانان یکی از آثار تاریخی محله دروازه غار

**دروازه غار**  
**را می توان نماد**  
**جامعه ایران دانست.**  
**نماد تساهل، تسامح و**  
**همزیستی مسالمت آمیز**  
**اقوام، ادیان و مذاهب**  
**در کنار هم. زیرا ایرانیان**  
**همواره همدلی و تحمل با**  
**هم بودن را در طول تاریخ**  
**تمرین و در دل فرهنگ**  
**خود حفظ کرده اند.**

روح و جسمشان را آزرده است که حتی طبیبان جهانی (پزشکان بدون مرز) با اطراق در دروازه غار همچنان از درمان آنها عاجز مانده اند.

امروزه دروازه غار آستان حوادث بسیاری است که چنانچه مسئولین و مردم به یاری آن نشتابند به جرأت می توان گفت: عواقب ناشی از این حوادث برای شهر تهران آنقدر وخیم خواهد بود که به راحتی جبران نخواهد شد.

درست است که هیولای فقر دروازه غار را از پا درآورده اما هنوز دروازه غار زنده است و نفس می کشد. امروز در آسمان سیاه و تاریک دروازه غار روزنه های سفیدی وجود دارد و اگر امروز مولد نور این روزنه ها را تقویت نکنیم، فردا کیپ و تاریک می-شوند.

امروز می توان اما فردا نه. امروز می توان با همیاری و همدلی دولت و ملت تلاش کرد و این روزنه ها را تقویت و بزرگ تر نمود و در کنار هم قرارشان داد تا بلکه آسمان دروازه غار رنگی روشن به خود گیرد.

### روزنه های امید به زندگی در دروازه غار

هر چند آسمان امروز دروازه غار کاملاً تاریک و تیره نیست، لیکن در درون آسمان سیاه او روزنه های امید است که چنانچه آنها را دریابیم و تقویت شان کنیم؛ می توان در آینده آسمانی روشن و آبی برای آن به تصویر کشید.

لذا اولین روزنه امید این محله مردمان این دیار خصوصاً زنان و کودکان رنج کشیده آن می باشند که هنوز به دنبال حیات و نشاط هستند.

دومین روزنه امید دروازه غار، تشکلات مردم نهاد و فعال در سطح

هنوز در این قهوه خانه می توان برخی جوانمردان دیروز و بزرگ مردان امروز دروازه غار را چون قدرت جلالی (معروف به قدرت سیاه) ملاقات نمود. او از شش سالگی از نطنز اصفهان به این دیار آمده است و اکثر ساکنین بومی وی را می شناسند. اگر بررسی آدرس قدرت کجاست؟ می گویند: قهوه خانه تقی رمضون یخی. این قهوه خانه پاتوق همیشگی قدرت و جمع کثیری از کسبه، افراد مسن و قدیمی محل است. چنانچه در فضای این قهوه خانه از جوانمردی و گذشت مردم دروازه غار سخن به میان آوری؛ همگی از ایثار، گذشت و سخاوتمندی قدرت جلالی سخن خواهند گفت و جوانمردی و گذشت وی برای آنان مثال زدنی است.

اما اگر از خود قدرت در این مورد سوال بپرسی، وی ترجیح می دهد، به جای سخن گفتن از گذشت و ایثار خود، از ایثار و گذشت دیگر مردان دروازه غار چون فرزندان رمضون یخی و فرزندان حاج علی اکبر هرنندی و ... سخن گوید.

### شانه های خسته دروازه غار

امروزه دروازه غار هم چون گذشته همواره پناهگاه و میزبان مسافرین تازه از راه رسیده از دم مرگ، جنگ و خونریزی از دیار بلخ و هرات و لشکر بیکاران از دل کویرهای پهناور ایران و دامنه-های البرز و زاگرس و بی خانمان های شهر تهران است. لیکن این امر باعث شده که دروازه غار نسبت به گذشته بیش از توان و ظرفیتش میهمانان ناخوانده داشته باشد. امروزه تعداد میهمانان ناخوانده، خسته و درمانده از هر جایی بیش از گذشته بر شانه های خسته دروازه غار سنگینی می کند.

میهمانان امروز دروازه غار ناامید و خسته تر از میهمانان دیروز هستند. میهمانانی خسته و رنجور که نامایمات روزگار آنقدر



از جمله دست آوردهای بازار بزرگ تهران و سایر بازارها برای محله دروازه غار ترافیک سنگین، سروصدای روزانه ماشین و موتور سیکلت ها، تبدیل شدن خانه های مسکونی آن به انبار کالا و خوابگاه کارگران و باربران بازار می باشد. در پایان امیدواریم که روزگاری برسد که نقش منفی بازار تهران و سایر بازارها در توسعه این منطقه به نقش مثبتی تبدیل شود. همچنین مجموعه مدیریت شهر تهران با برنامه ریزی مناسب در راستای توسعه هم جانبه این محله گام بردارد و از توسعه نامتوازن آن (که نابود کننده هویت و زندگی ساکنین محله، آوارگی و عریان شدن فقر و بی خانمانی هر چه بیشتر در شهر می گردد) دوری جوید.

این محله می باشند. این تشکلات روزنه های قابل توجهی هستند از انسانهای شریفی که بخش عمده ای از اندیشه و تلاش روزمره شان صرف عشق، فداکاری و دستگیری از مردم این محله خصوصا کودکان و زنان آن می گردد. انسانهایی که عشق به هم نوع در فکر و اندیشه شان ساری و جاریست. چه آن گروه از آنان که با مردم در داخل گود هستند و چه آنان که خارج از گودند و با حمایت های مادی و معنوی شان مسیر را برای نجات و توسعه این اجتماع هموار می سازند.

سومین روزنه امید دروازه غار، توان و ظرفیت های فرهنگی - اقتصادی آن می باشد. یکی از ظرفیت های این محله اماکن تاریخی و ارزشمند آن چون کاروانسرای خانان، سر قبر آقا و کاروانسرای گمرگ می باشد که ثبت ملی شده اند. از دیگر آثار این محله قهوه خانه های تاریخی تقی رمضون یخی و اصغر پسته شام، بازار سید اسماعیل و مساجد تاریخی می باشد.

به هر حال وجود این اماکن در محله خود فرصتی است در جذب جمعیت گردشگر و توسعه فرهنگی - اقتصادی محله که به نوبه خود امیدبست در راستای ارتقای معیشت و منزلت اجتماعی ساکنین آن.

از دیگر نقاط قوت و امید دروازه غار ظرفیت ها و فرصت های اقتصادی آن چون کارگاههای کوچک تولیدی و بازارهای فرامنطقه ای آن مانند بازار پارچه فروشان، بازار مواد غذایی، بازار شیشه فروشان، بازار بلور فروشان و همجواری این محله با بازار بزرگ تهران می باشد.

ولی متأسفانه تا کنون هر کدام از این بازارها در توسعه اقتصادی - اجتماعی ساکنین این منطقه موثر واقع نشده اند و جزء تبعات منفی چیزی برای آن به ارمغان نیاورده اند.

نمای فعلی سر قبر آقا یکی از آثار تاریخی موجود در محله دروازه غار

